



گالری تصاویر و ویدیوها

شعر تو ای فرزند ایرانی

نویسنده: شمشاد امیری خراسانی

انتشار: ۴ اردیبهشت ۱۳۹۱ | دقیقه مطالعه



چکیده مقاله

تو ای فرزند ایرانی سخن با توسل تو. ای افتاده بر خاک مذلت. ای نهال فخر انسانی کلام من به سوی توسل تو. ای گمگشته در ودای حیرانی اسیر تیغ داد انیرانی (انیران:: کسانی که دم از میهن پرستی می زنند اما دشمن این خاک هستند) نگاه من به روی توسل دمی چشم حقیقت بین خود بگشا به سوی خویشتن باز آ! چه شد میراث فرهنگ درخشانت؟؟ غرور انگیز آیین نیاکانت؟؟ کجا شد نیک پنداری؟؟ کجا شد راست گفتاری؟؟ کجا شد پاک کرداری؟؟ نگاهی بر وجود خویش افکن سراپایت همه آلوده در خون است رخت از رنج مظلومان شفقگون است تو ای سالار اقلیم سخامن



تو ای فرزند ایرانی

سخن با توست

تو ای افتاده بر خاک مذلت ای نهال فخر انسانی

کلام من به سوی توست

تو ای گمگشته در ودای حیرانی

اسیر تیغ داد انیرانی (انیران:: کسانی که دم از میهن پرستی می زنند اما دشمن این خاک هستند)

نگاه من به روی توست

دمی چشم حقیقت بین خود بگشا

به سوی خویشتن باز آ!

چه شد میراث فرهنگ درخشان؟؟

غرورانگیز آیین نیاکان؟؟

کجا شد نیک پنداری؟؟

کجا شد راست گفتاری؟؟

کجا شد پاک کرداری؟؟

نگاهی بر وجود خویش افکن

سراپایت همه آلوده در خون است

رخت از رنج مظلومان شفقگون است

تو ای سالار اقلیم سخامندی

چرا این سان تبه گشتی؟؟

نیاکان تو مردان خدا بودند

به آیین جوانمردی و مردی آشنا بودند

تو نام جاودان زرتشت را با ننگ آلودی

به عشق اهرمن در دوزخ بیداد آسودی

ره ضحاک افعی دوش خون آشام را پیمودی

دو زانو سر به خاک دشمنان خویش سودی

تو.ای بالنده ایرانی

تو.ای تندیس فر و جاه ساسانی

به سوی خویشتن باز آ!

به سوی خویشتن باز آ!

به سوی خویشتن باز آ!

ارجاع به این مقاله

شمشاد امیری خراسانی، «شعر تو ای فرزند ایرانی»، پارسیان دژ، ۱۳۹۱.

خواندن مقاله و پیوست‌های آن در وبسایت پارسیان دژ

نشانی ثابت این نسخه:

<https://www.parsiandej.ir/articles/1119/pdf/شعر-تو-ای-فرزند-ایرانی.pdf>

آخرین ویرایش مقاله: ۹ اردیبهشت ۱۴۰۰